

شاهان ایرانی و دستاوردهای سفر به فرنگ

۲۵ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۳۳

رهاورد سفر شاهان قاجاری به فرنگ، ورود برخی مظاهر تمدن غرب به ایران بود. جدا از اینکه آنان برای عیش و نوش به مغرب می‌رفتند، باید بر این نکته توجه نمود که آنان قادر به درک مبانی و بنیان‌های تفکر غرب نبودند

اولین زمزمه‌های تغییر و تحولی را که منجر به پیدایش انقلاب مشروطه در ایران گردید، در تماس با غرب می‌توان جست‌وجو کرد. در این زمینه، یحیی دولت‌آبادی می‌نویسد: «در اواسط قرن سیزدهم اسلامی، که مراوده‌ی ایرانیان با اروپاییان زیاد شد، به اقتضای زمان، افکاری در ایران به هیجان آمده، به خیال می‌افتد از روشنایی عصر حاضر استفاده نموده، این است که درصدد برمی‌آیند از اروپا معلم به ایران بیاورند و از ایران محصل به اروپا بفرستند.» (۱)

بدین ترتیب، کسانی که به دلایل مختلف، همچون تحصیل، سیاحت یا مأموریت اداری، به غرب سفر کرده بوده‌اند، توسعه و پیشرفت غرب همراه با مدنیت و دموکراسی را نیز مشاهده می‌کردند. این رفت‌وآمدها سبب شد تا مسافران در بازگشت، از پیشرفت و توسعه‌ی غرب سخن به میان آورند و عده‌ای هم درباره‌ی راه‌ورسم زندگی آنان سیاحت‌نامه بنویسند و افکار توده‌ی مردم را، هرچند محدود، با وقایع غرب آشنا کنند. به‌عنوان مثال، ابوطالب اصفهانی برای اولین بار از انقلاب فرانسه خبر داد و میرزا صالح‌خان شیرازی از حکومت قانون و دستگاه قضاوت و از پارلمان انگلیس به‌عنوان مشورت‌خانه و از مجلس عوام به‌عنوان خانه‌ی وکیل‌الرعا یا نام برد. (۲) حکام قاجار، خود نخستین گروهی بودند که به فکر نوسازی در سطحی محدود افتادند. هدف آن‌ها رسیدن به مرحله‌ی دولت‌های پیشرفته‌تر، دست‌کم از نظر اداری و نظامی بود. اما حکام قاجار توانایی لازم برای ایجاد تغییرات بنیادی را نداشتند. در واقع سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ، به‌عنوان اولین شاه ایران، سبب شد تا حکام قاجاری به فکر نوسازی در سطح کشو بیفتند. سفر این شاهان بیشتر مظاهر تمدن غرب را به ایران آورد. آنان قادر به درک مبانی تفکر غرب نبودند. به‌علاوه اینکه آنان برای عیش و نوش به مغرب می‌رفتند. همچنین لازم به ذکر است که ناصرالدین‌شاه می‌دانست که عمیق شدن در فرهنگ غرب، باعث فروپاشی قدرت استبدادی او می‌شود. از این رو، خود می‌گفت خواهان وزرایی است که فرق میان بروکسل و کلم‌پیچ را ندانند. او البته در سفر به روسیه تشکیل نیروی قزاق نیز به ذهنش رسید که عملاً نیرویی وابسته به روسیه شد. در این یادداشت، تلاش می‌شود دستاورد سفرهای آخرین شاهان قاجار، یعنی ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و احمدشاه، برای کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. بررسی سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا ناصرالدین‌شاه در مجموع سه سفر به اروپا داشت. اولین سفر خارجی وی در سال ۱۲۹۰ق و به دعوت امپراتور اتریش، فرانسوا ژرژ اول، برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی وینه، صورت گرفت که ناصرالدین‌شاه به همراه جمعی از شاهزادگان، درباریان و میرزا حسین‌خان سپه‌سالار از راه روسیه به اروپا رفته و از

کشورهای آلمان، بلژیک، انگلیس، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی (ترکیه‌ی امروزی) دیدن کرد. (۳) آغاز سفرهای ناصرالدین‌شاه دلایل مختلفی داشت. تلاش برخی از اطرافیان وی برای اصلاحات کشور، سبب شد تا آنان به فکر آن بیفتند تا شاه را با پیشرفت غربی آشنا کنند. به‌عنوان مثال، یکی از ابتکارات مشیرالدوله برای همسو کردن شاه با اصلاحات وی، سفر شاه به فرنگ بود. عبدالله مستوفی در کتاب خود، انگیزه‌ی مشیرالدوله را چنین بیان می‌کند: «مشیرالدوله با این قصد شاه را به فرنگ می‌برد که ترقیات مادی و معنوی اروپا را، که از اثر حکومت مقننه در کشورهای این قطعه‌ی دنیا حاصل شده است، به رأی‌العین مشاهده کند و از کاری که به اجرای آن گرفته پشیمان نکنند. پیشرفت و طرز اداره‌ی ممالک خارجه را ببیند و بداند که سایرین چگونه کشورداری می‌کنند تا وقتی که به ایران برمی‌گردد، به مطالبی که از در خیر و صلاح عامه پیشنهاد خواهد کرد، بیشتر اهمیت بدهد.» (۴) البته این تنها عامل و دلیل سفر شاه به اروپا نبود. در این میان، خود کشورهای غربی نیز درصدد بودند تا با سفر شاه به کشورهايشان، هم تمدن و پیشرفت خود را به رخ وی بکشند و هم از این موقعیت برای گرفتن امتیازات بیشتر استفاده کنند. همچنین نباید از انگیزه‌ی شخصی و همچنین خوش‌گذرانی شاه هم صرف نظر کرد. شاه خود دلیل سفر خود را این‌گونه بیان می‌کند: «هدف از مسافرت به اروپا برای بهبود و تدارک و مسائل ترقی قشون و از قبیل اسلحه و مهمات و مشاق و غیره است و اکنون در آینده، بهبود وضع قشون را بر دمه‌ی خود لازم و حتم می‌شمارد.» (۵) همچنین انگیزه‌های شخصی ناصرالدین‌شاه در این سفرها نقش داشت. وی برای جلب دوستی انگلیس و از آنجا که می‌خواست مراحل متریقی تمدن را بنگرد، تصمیم گرفت شخصاً به اروپا سفر کند. همچنین حس کنجکاو‌ی کودکانه‌ای نسبت به اروپا داشت. اگر بخواهیم نگاهی اجمالی به نتایج سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا بیندازیم، باید بگوییم که در سفر اول و دوم تا حدود کمی شاه را به ادامه‌ی اصلاحات ترغیب کرد. احداث خط‌آهن، ورود دستگاه چاپ، تحکیم مناسبات دوستانه‌ی ایران با روسیه، آلمان، اتریش و فرانسه، تشکیل یک نیروی نظامی به سبک نظام اتریش و نیروی دیگری به شیوه‌ی قزاق روسیه، از نتایج سفر اول و دوم ناصرالدین‌شاه بوده است، اما در سفر سوم، انگیزه‌ی پیشرفت و اصلاحات کاملاً رنگ باخت و شاه در این سفر امتیازات سنگینی به اروپاییان و به‌ویژه انگلیس‌ها داد. در این سفر، طالبوف با کسب اطلاعات درباره‌ی مقدار و چگونگی تجارت محصول توتون و تنباکوی ایران با کمک اعتمادالسلطنه و موافقت امین‌السلطان، پیشنهاد گفت‌وگو و امتیاز فروش و صدور دخانیات ایران را از شاه گرفت. تنها عایدی این سفر برای کشور، اهدای امتیازات فراوانی بود که به بیگانگان داده شد. بررسی سفرهای مظفرالدین‌شاه به اروپا این پادشاه در طول یازده سال زمامداری خود، سه بار به اروپا سفر کرد. سفر اول در اواخر سال ۱۳۱۷هـ.ق صورت گرفت و نزدیک به هفت ماه به طول انجامید. سفر دوم در سال ۱۳۲۰هـ.ق و مدت آن شش ماه و ۲۲ روز بود و بالأخره سفر سوم او در سال ۱۳۲۳هـ.ق بود و این سفر نیز شش ماه طول کشید. در واقع شاه به مانند پدر خود، مشتاق سفر به اروپا بود و در چهارمین سال سلطنت خود که کشور از نظر مالی با مشکلات عیدیه‌ای مواجه بود، اولین سفر خود را آغاز کرد و برای اینکه هزینه سفر خود را تأمین کند، قراردادی برای دریافت ۲۳ میلیون و پانصد هزار روبل قرضه از روسیه امضا کرد و عایدات گمرکات ایران را، که ممر اصلی درآمد خزانه بود، در ازای آن به وثیقه گذاشت. (۶) نتیجه‌ی سفر اول شاه با آن همه بار مالی که برای کشور داشت، تنها دادن امتیاز به کشورهای غربی بود. در بازگشت از این سفر، مظفرالدین‌شاه امتیاز نفت جنوب کشور را با عواید ناچیز، به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام نکس داریسی واگذار کرد. (۷) بعد از دو سال، با وجود آنکه هنوز قرض‌های مخارج سفر اول شاه صاف نشده بود، مظفرالدین‌شاه برای بهبود بیماری خویش و همچنین برای گردش و سیاحت در اروپا، عازم سفر شد و امین‌السلطان برای تأمین هزینه‌ی سفر شاه، از بانک استقراضی روس مبلغ ده میلیون منات طلا وام گرفت و امتیاز راه‌آهن جلفا به قزوین را نیز به روسیه واگذار کرد که نتیجه‌ی

آن ورشکستگی دولت بود. (۸) عدم پرداخت حقوق کارکنان دولت، وام‌خواهی اتابک اعظم از بانک استقراضی جهت تأمین هزینه‌ی سفر شاه به اروپا، اعطای امتیازات به بیگانگان از جمله امتیاز نفت جنوب به ویلیام ناکس داری و امتیاز راه آهن جلفا به قزوین، ازدیاد نفوذ روسیه در ایران، گرانی ارزاق عمومی و سلطه‌ی اقتصادی بیگانگان بر بازرگانان ایران، سبب بالا گرفتن نارضایتی در میان آحاد مردم کشور شد، اما شاه با برکناری اتابک اعظم از مسند قدرت تا حدودی نارضایتی‌ها را کم کرد. با وجود مشکلات عدیده‌ی مالی و همچنین نارضایتی مردم، شاه باز هم به بهانه‌ی معالجه‌ی خویش و از سوئی، نگرانی از جنبش مشروطه‌خواهی، برای دور بودن از کشور، قصد سفری دیگر به اروپا کرد و این بار عین‌الدوله برای تأمین هزینه‌های شاه، مسیو نوز بلژیکی را که به‌تازگی برای اداره‌ی امور گمرکات ایران استخدام شده بود، با اختیارات فوق‌العاده‌ی، مأمور افزایش درآمد گمرکات نمود و با دریافت یک وام ۲۹۰ هزار لیره‌ای از بانک شاه‌ی انگلیس، هزینه‌های سفر سوم شاه تأمین شد. (۹) فشار اقتصادی بر مردم و تجار از یک سو و ولخرجی‌های شاه از سوی دیگر، روزبه‌روز بر عمق نارضایتی مردم می‌افزود و زمینه‌ی قیام عمومی در ایران شکل می‌گرفت. در واقع نتایج این سفرها ورشکستگی کامل اقتصاد کشور بود و بسیاری از منابع طبیعی، راه‌ها و معادن کشور به بیگانگان واگذار شد. گرانی، تورم، کمبود نان و ارزاق، تصرف املاک مردم توسط نزدیکان شاه و ظلم دولت‌های منتخب وی علیه مردم، جامعه را به ستوه آورده بود. بررسی سفرهای احمدشاه به اروپا احمدشاه نیز مانند پدر و پدربزرگ خود، سه بار به اروپا سفر کرد. هرچند برخلاف شاهان پیشین سفر سوم وی بدون بازگشت بود. احمدشاه یک بار در هفتم آبان ۱۲۹۸ راهی انگلیس شد که تا خرداد سال بعد ادامه یافت. یک بار نیز در ۶ بهمن ۱۳۰۰ سفری به اروپا داشت که تا آذر سال بعد به طول انجامید. سفر ۱۱ آبان ۱۳۰۲ احمدشاه، سومین و آخرین مسافرت وی به اروپا بود. (۱۰) احمدشاه در جوانی به سلطنت رسید و شاید به همین منظور، علاقه زیادی به سلطنت پرماجرا در ایران نداشت. در واقع به دلیل سنت سفر به اروپا که در دوره‌ی شاهان پیش ایجاد شده بود و هم به دلیل جوانی، آرزوی رفتن به اروپا را داشت و اقامت در آنجا را بر سلطنت پرمجراپی که در ایران داشت، ترجیح می‌داد. این مسافرت‌های چندماهه در حالی صورت می‌گرفت که فقر و تبعیض در جامعه بیداد می‌کرد. در نهایت در جریان سفرهای بعدی احمدشاه، رضاخان توانست بر اوضاع تسلط یابد و شاه جوان را از کار برکنار کند. نتیجه‌گیری با مطالعه‌ی اجمالی سفر شاهان قاجار به اروپا، متوجه می‌شویم که این سفرها تنها در راه مصالح شخصی و خوش‌گذرانی شاهان صورت می‌گرفت و نتیجه‌ای جز هزینه‌ی بالا و تحمیل امتیازات و قراردادهای ننگین برای کشور نداشت و سبب نفوذ هرچه بیشتر بیگانگان به کشور شد. شاه و اطرافیانش توانایی درک و موقعیت پیشرفت اروپا را نداشتند و در سفرهای خود، تنها به مظاهر تمدن غربی توجه می‌کردند و این سفرها با آن همه هزینه‌ی گزاف، ثمره‌ای برای کشور در پی نداشت و تنها چند نمونه‌ی پیش‌پاافتاده از تکنولوژی غربی وارد کشور شد. به لحاظ اصلاحات سیاسی و اقتصادی، نه تنها این سفرها منجر به باز شدن افکار شاهان قاجاری نشد، بلکه برعکس باعث شد تا شاهان در مقابل اصلاحات موضع بگیرند. به‌عنوان مثال، ناصرالدین‌شاه که خود تا حدودی خواهان اصلاحات بود، بعد از سفر به اروپا، هرگونه اصلاحاتی را مانع استبداد مطلق خویش می‌پنداشت و گفته‌هایش در حد شعار باقی ماند. در واقع تحمیل هزینه‌های گزاف سفر بر دوش مردم و انعقاد قراردادهای و اعطای امتیازاتی که تصور می‌شد باعث رونق کشور می‌شود، سبب گردید تا موجی از نارضایتی در میان جامعه شکل گیرد. (*پی‌نوشت‌ها: ۱. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، فردوس، ۱۳۶۲. ۲. بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه‌ی تجدد، تهران، فرزانه، ۱۳۸۶. ۳. عباس رضانی، ناصرالدین‌شاه قاجار، تهران، ترفند، چاپ اول، ۱۳۸۳. ۴. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، تهران، زوار، ۱۳۶۰. ۵. سفرنامه‌ی ناصرالدین‌شاه، اصفهان، انتشارات انیشه‌ی اصفهان، ۱۳۴۳. ۶. مهدی کاشانی، سفرنامه‌ی مظفرالدین‌شاه به فرنگ، تهران، زوار، ۱۳۶۱. ۷. همان. ۸. مؤسسه‌ی مطالعات

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۶۸۳/فرنگ-سفر-دستاوردهای-ایرانی-شاهان>